

## حقوق زن از نگاه اسلام

لیلا طالبی

### چکیده

حقوق زن در اسلام از دیرباز یکی از مسائل بنیادین و مورد توجه اندیشمندان دینی و اجتماعی بوده است. اسلام با نگاهی جامع و الهی، زن را موجودی دارای کرامت انسانی، استقلال شخصیتی و حقوق متنوع معرفی کرده است. روش تحقیق در این پژوهش از نظر هدف، بنیادی است؛ زیرا به دنبال تبیین و گسترش مفاهیم نظری و مبانی حقوقی از منظر اسلام می‌باشد. البته یافته‌های آن می‌تواند در حوزه‌های کاربردی همچون تدوین قوانین و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی نیز مورد استفاده قرار گیرد. این تحقیق از لحاظ جمع آوری مطالب کتابخانه‌ای، توصیفی و تحلیلی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که اسلام زن را نه در حاشیه، نه ابزار، بلکه به‌عنوان رکن اساسی خانواده و جامعه معرفی کرده است. زن در اسلام حق مالکیت، ارث، مهریه، نفقه، انتخاب همسر، اشتغال، مشارکت سیاسی و فعالیت اجتماعی دارد و در عرصه کیفری نیز مسئول اما مورد حمایت و لحاظ‌کننده شرایط ویژه خود است. این نگاه متوازن، علاوه بر ارتقای جایگاه زن، موجب سلامت خانواده، تقویت عدالت اجتماعی و توسعه جامعه می‌شود. کلیدواژه‌ها: اسلام، حقوق اجتماعی، حقوق خانوادگی، حقوق سیاسی، حقوق قضایی، حقوق کیفری، حقوق زن، کرامت انسانی.

مسئله حقوق زن از دیرباز یکی از مهم‌ترین و بحث‌برانگیزترین موضوعات در جوامع بشری بوده است. تاریخ گواه آن است که زنان در بسیاری از تمدن‌ها و فرهنگ‌ها با تبعیض، محرومیت و نادیده‌انگاری حقوق طبیعی و انسانی خود روبه‌رو بوده‌اند؛ تا جایی که در برخی از مکاتب، زن موجودی درجه‌دوم یا حتی فاقد هویت مستقل شمرده می‌شد. با ظهور اسلام، نگاه تازه‌ای به جایگاه زن ارائه شد که نه تنها بسیاری از باورهای نادرست پیشین را اصلاح کرد، بلکه کرامت انسانی زن را هم‌تراز با مرد به رسمیت شناخت. اسلام با تأکید بر اصل تساوی در کرامت انسانی، حقوق بنیادینی همچون حق مالکیت، حق انتخاب همسر، حق تحصیل، حق مشارکت اجتماعی و حق برخورداری از امنیت و احترام را برای زنان تثبیت نمود. با این حال، تفاوت‌های طبیعی و نقش‌های متفاوت زن و مرد در نظام خانوادگی و اجتماعی، سبب شده است که برخی احکام و تکالیف بر اساس حکمت‌های خاص الهی به‌گونه‌ای متفاوت میان آن دو توزیع شود. در عصر حاضر، با گسترش گفتمان‌های حقوق بشری و جنبش‌های فمینیستی، بار دیگر موضوع حقوق زن به یکی از مباحث اصلی در محافل علمی، اجتماعی و حتی سیاسی تبدیل شده است. در چنین شرایطی، بررسی دوباره‌ی دیدگاه اسلام در این زمینه، هم برای رفع شبهات و پرسش‌های موجود و هم برای تبیین ظرفیت‌های غنی این دین در حمایت از حقوق زن، ضرورتی دوچندان می‌یابد. بر این اساس، مقاله حاضر با عنوان «تبیین حقوق زن از نگاه اسلام» می‌کوشد ضمن بازخوانی مبانی قرآنی و روایی، به این سوال پاسخ دهد که حقوق زن از نگاه اسلام چیست؟ در رابطه با این موضوع کتابی با عنوان حقوق زنان، برابری یا نابرابری (فاطمه بداغی فریبا علاسوند) نگاشته شده که نویسندگان به پاسخگویی به شبهات بسنده نمودند و همچنین کتابی با عنوان زن در تاریخ و اندیشه‌ی اسلامی (فتحیه فتاحی زاده) نگاشته شده که از بعد تاریخی و تمدن‌های مختلف به حقوق زن پرداخته شده است. در مقاله‌ی پیش رو تلاش شده مبحث حقوق زن در ساختار سیاسی، خانوادگی، قضایی، کیفری و اجتماعی در ۵ فصل و طبق آیات و روایات تبیین گردد.

### مفهوم‌شناسی

هر پژوهش علمی پیش از ورود به مباحث اصلی نیازمند روشن ساختن مفاهیم بنیادین و کلیدی است؛ چراکه فهم دقیق اصطلاحات، چارچوب نظری تحقیق را استوار می‌سازد و از برداشت‌های متفاوت و گاه نادرست

جلوگیری می‌کند. در پژوهش حاضر با عنوان «حقوق زن از نگاه اسلام»، برخی از واژه‌ها و مفاهیم همچون «تبیین»، «حقوق»، «زن»، «حقوق زن» و «دین اسلام» از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. تبیین درست این مفاهیم، علاوه بر ایجاد شفافیت در معنای مورد نظر، زمینه را برای تحلیل دقیق‌تر موضوع و بررسی ابعاد مختلف آن فراهم می‌سازد. بر این اساس، در ادامه به بررسی واژه‌های کلیدی پژوهش پرداخته می‌شود.

## ۱. تبیین

واژه «تبیین» از ریشه «بَيَّنَّ» گرفته شده و در لغت به معنای آشکار کردن و روشن ساختن چیزی آمده است. (ابن‌منظور، ج ۱۳، ص ۷۲).  
در اصطلاح علوم انسانی، «تبیین» به معنای توضیح دادن یک پدیده و رفع ابهام از آن با استفاده از دلیل و برهان است. (عمید، ۱۳۸۸، ص ۲۴۵).

## ۲. حقوق

«حق» در لغت به معنای ثبوت، واقعیت، و مطابقت با عدالت است. جمع آن «حقوق» می‌باشد. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا  
در اصطلاح فرهنگ اسلامی، «حقوق» اموری است که برای انسان‌ها ثابت بوده و رعایت آن بر دیگران واجب است. (مطهری، ۱۳۸۷، ص ۱۸).

## ۳. زن

«زن» در زبان فارسی به معنای انسان مؤنث است و در زبان عربی معادل آن «امراة» و جمع آن «نساء» آمده است. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا  
۴. حقوق زن: حقوق زن در اصطلاح علوم حقوقی و اجتماعی، به مجموعه امتیازات، آزادی‌ها و تکالیفی گفته می‌شود که بر اساس قوانین الهی یا عرفی برای زن به رسمیت شناخته شده و رعایت آن از سوی دیگران الزامی است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ص ۳۴۵).

## ۵. دین اسلام

اسلام» در اصطلاح دینی، نام آخرین دین الهی است که بر پیامبر اکرم حضرت محمد ﷺ نازل گردید. اسلام به معنای تسلیم در برابر خداوند و پذیرش دستورات اوست و از همین معنا، واژه «مسلمان» به کسی اطلاق می‌شود که با دل و عمل، در برابر فرمان الهی سر تسلیم فرود آورد. (راغب اصفهانی، ص ۲۴۷). بنابراین، «دین اسلام» در اصطلاح به معنای مجموعه تعالیم اعتقادی، اخلاقی و فقهی است که بر مبنای وحی الهی سامان یافته و هدف آن هدایت انسان به سعادت دنیا و آخرت است. (طباطبایی، ج ۳، ص ۲۴۵). در اصطلاح دینی، اسلام دین خاتم است که با بعثت پیامبر اکرم ﷺ نازل شد و اصول بنیادینی چون توحید، عدالت، کرامت انسان و هدایت فطری بشر را تبیین می‌کند. (طباطبایی، ج ۱، ص ۲۷۵).

### ۱: حقوق سیاسی زن

در دین اسلام زنها همانند مردها دارای حقوق سیاسی می‌باشند که در این مورد ضروری است برای آشنایی بیشتر در این مورد ابتدا به فلسفه و مبنای حق و حقوق سیاسی زنان اشاره کرد:

#### ۱\_۱. فلسفه حضور سیاسی زن در جامعه اسلامی

اسلام حضور زن در عرصه سیاست را نه یک امر تحمیلی، بلکه یک حق و در برخی شرایط یک تکلیف می‌داند. زن مسلمان در جامعه می‌تواند با رعایت عفاف و کرامت، در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی مشارکت داشته باشد. این حضور نه تنها موجب تضییع حقوق خانواده نمی‌شود، بلکه به رشد اجتماعی و افزایش آگاهی زنان و مردان کمک می‌کند. بدین ترتیب، سیاست اسلامی زن را موجودی فعال و اثرگذار معرفی می‌کند، در حالی که برخی مکاتب غربی زن را صرفاً به عنوان ابزاری تبلیغاتی در عرصه سیاست می‌نگرند (سروش، ۱۳۸۰، ص. ۱۱۲).

#### ۲\_۱. جایگاه زن در کرامت انسانی و مبنای حقوق سیاسی

اسلام زن را همانند مرد، موجودی دارای کرامت و شایسته تکامل معرفی می‌کند. قرآن کریم معیار برتری را نه جنسیت، بلکه تقوا می‌داند: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات/۱۳). بنابراین، زن و مرد در حقوق انسانی و اجتماعی اصل مشترک دارند. این نگاه، پایه‌ای برای اثبات حقوق سیاسی زن در جامعه اسلامی

است، چرا که سیاست و تصمیم‌گیری اجتماعی بخشی از حیات انسانی به شمار می‌رود (مطهری، ۱۳۷۸، ص. ۹۴).

### ۳\_۱. مشارکت زنان در بیعت‌های صدر اسلام

یکی از نخستین عرصه‌های حضور سیاسی زنان در تاریخ اسلام، بیعت با پیامبر (ص) است. زنان در بیعة‌العقبه و نیز در فتح مکه با پیامبر بیعت کردند. قرآن نیز به این مسئله تصریح دارد: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ...» (ممتحنه/۱۲). این آیه نشان می‌دهد که مشارکت سیاسی زنان نه تنها مجاز، بلکه تأیید شده است. بیعت به‌عنوان نوعی پیمان سیاسی و اجتماعی، نشانگر حق زنان در دخالت در سرنوشت سیاسی امت اسلامی بوده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص. ۳۸۵).

### ۴\_۱. حق رأی و انتخاب در نگاه فقهی

از دیدگاه فقه شیعه، زن همانند مرد حق دارد در امور عمومی جامعه اظهار نظر کند. شرکت در انتخابات و شوراها، به معنای اعمال یکی از حقوق شهروندی است و در منابع اسلامی هیچ منعی برای آن ذکر نشده است. برخی فقها به صراحت تأکید کرده‌اند که جنسیت نمی‌تواند مانع از بهره‌مندی از این حق گردد. در آثار اندیشمندانی مانند آیت‌الله جوادی آملی نیز آمده است که اسلام نگاه تبعیض‌آمیز به حقوق سیاسی ندارد و ملاک، شایستگی فردی و اجتماعی است (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص. ۲۴۷).

### ۵\_۱. نمونه‌های تاریخی نقش‌آفرینی سیاسی زنان

در طول تاریخ اسلام، زنان بسیاری در عرصه سیاست و اجتماع نقش‌آفرین بوده‌اند. حضرت فاطمه زهرا (س) در خطبه فدکیه با صراحت از حقوق سیاسی و اقتصادی خود و جامعه دفاع کرد و این خود نشان‌دهنده مشروعیت فعالیت سیاسی زنان است. همچنین حضرت زینب (س) پس از واقعه عاشورا، با خطبه‌های تاریخی خود بنی‌امیه را به چالش کشید و حقیقت نهضت امام حسین (ع) را زنده نگه داشت. این اقدامات، نشانه‌ای روشن از جایگاه زن در سیاست اسلامی است (مدنی، ۱۳۸۲، ص. ۱۶۲).

## ۲. حقوق خانوادگی زن

از این رو، بررسی حقوق کیفری زن در اسلام نشان می‌دهد که این دین الهی با رویکردی متوازن، ضمن مسئول شناختن زن در قبال اعمالش، همزمان کرامت انسانی و شرایط ویژه او را نیز لحاظ کرده است.

#### ۴-۱. مسئولیت کیفری زن در اسلام

اسلام زن و مرد را در اصل مسئولیت کیفری برابر می‌داند. به عبارت دیگر، هر فرد در برابر اعمال خود مسئول است و جنسیت او سبب معافیت از مجازات یا کاهش مسئولیت نمی‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: «مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ» (نساء/۱۲۳). این آیه اصل مسئولیت فردی را بیان کرده و شامل زن و مرد می‌شود. بنابراین، زن در صورت ارتکاب جرم همانند مرد پاسخ‌گوست (مطهری، ۱۳۷۸، ص. ۱۵۷).

#### ۴-۲. حدود و مجازات‌های مشترک زن و مرد

بخش عمده‌ای از حدود و مجازات‌ها در اسلام میان زن و مرد مشترک است؛ مانند حد زنا، سرقت، قذف و شرب خمر. تفاوت‌ها در اجرا بیشتر به جنبه‌های اخلاقی و حفظ عفاف زن بازمی‌گردد، نه به اصل حکم. برای نمونه، در اجرای حد زنا برای زن، پوشش و رعایت عفت او الزامی است و این امر نشان‌دهنده نگاه حمایتی اسلام به کرامت زن است (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص. ۳۱۵).

#### ۴-۳. تفاوت‌های موجود در حقوق کیفری زن و مرد

با وجود برابری در اصل مسئولیت، در برخی موارد تفاوت‌هایی میان زن و مرد دیده می‌شود. برای مثال، دیه زن در مواردی نصف دیه مرد است. فقها این تفاوت را نه به دلیل کاستی ارزش انسانی زن، بلکه به دلیل نقش‌های اقتصادی متفاوت زن و مرد در جامعه دانسته‌اند؛ چرا که در اسلام، مسئولیت اقتصادی خانواده بر عهده مرد است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص. ۴۱۲).

همچنین در قصاص، اگر زنی مردی را به قتل رساند، خانواده مقتول برای قصاص باید نصف دیه را به خانواده زن بپردازند؛ این قاعده نیز ریشه در همان فلسفه اقتصادی دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص. ۱۸۸).

#### ۴-۴. فلسفه تفاوت‌های کیفری

اسلام در تشریع احکام کیفری میان زن و مرد، اصل عدالت را رعایت کرده است. عدالت در نگاه اسلام به معنای تشابه مطلق نیست، بلکه به معنای رعایت تناسبات واقعی و نقش‌های طبیعی هر یک است. بر این اساس، تفاوت‌هایی که در احکام کیفری دیده می‌شود، ناظر به شرایط خاص اجتماعی و اقتصادی است،

نه تبعیض یا کاستی در شأن انسانی زن. شهید مطهری تصریح می‌کند که "این تفاوت‌ها برای تکمیل عدالت اجتماعی است، نه نشانه تبعیض" (مطهری، ۱۳۷۸، ص. ۱۶۳)

#### ۵-۴. مقایسه تطبیقی با نظام حقوقی غرب

در نظام‌های حقوقی غربی، برابری مطلق زن و مرد در مسئولیت کیفری پذیرفته شده است، اما این برابری گاه به نادیده گرفتن شرایط خاص زنان منجر می‌شود. برای نمونه، در بسیاری از کشورها زن باردار یا شیرده در برابر مجازات هیچ‌گونه ملاحظه‌ای ندارد، در حالی که فقه اسلامی در چنین مواردی تخفیف‌ها و تأخیرهایی را لحاظ کرده است. این نشان می‌دهد که حقوق کیفری اسلام علاوه بر رعایت عدالت، به کرامت و شرایط ویژه زنان نیز توجه دارد (حسینی، ۱۳۹۰، ص. ۹۷).

#### ۵: حقوق اجتماعی زن

اسلام کرامت زن را در اجتماع مورد تأکید قرار داده و از هرگونه تحقیر و بهره‌برداری ایزاری از او نهی کرده است. قرآن کریم در آیه «وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» (احزاب/۳۳) زنان را از تبدیل شدن به وسیله لذت‌جویی در اجتماع باز می‌دارد و در عوض بر حفظ شخصیت و کرامت آنان تأکید می‌کند. به همین دلیل، اسلام حضور اجتماعی زن را همراه با حجاب و عفاف می‌داند تا کرامت او محفوظ بماند (مدنی، ۱۳۸۲، ص. ۱۲۷).

#### ۱\_۵. حق آموزش و تحصیل

یکی از حقوق بنیادی زن در اسلام، حق آموزش و تحصیل است. پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ»؛ طلب علم بر هر مرد و زن مسلمان واجب است (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، ص. ۱۴).

این روایت نشان می‌دهد که زن همانند مرد حق دارد در عرصه‌های علمی و آموزشی حضور یابد. برخلاف دوران جاهلیت که زنان از علم محروم بودند، اسلام دروازه‌های دانش را به روی آنان گشود (مطهری، ۱۳۷۸، ص. ۱۷۴).

#### ۲\_۵. حق اشتغال و فعالیت اقتصادی

اسلام حق کار و فعالیت اقتصادی برای زن را به رسمیت شناخته است. زن می‌تواند در چارچوب موازین شرعی به تجارت، صنعت، کشاورزی یا هر حرفه دیگری بپردازد و درآمد حاصل از کار او متعلق به خودش خواهد بود. قرآن کریم می‌فرماید: «لِّلرَّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ» (نساء/۳۲). این آیه به روشنی استقلال مالی زن را تثبیت می‌کند. در تاریخ اسلام نیز زنان بسیاری به تجارت و دادوستد مشغول بودند، از جمله حضرت خدیجه(س) که یکی از برجسته‌ترین بازرگانان عصر خویش بود (بهشتی، ۱۳۷۳، ص. ۹۳).

#### ۴\_۵. حق مشارکت در امور فرهنگی و اجتماعی

زن مسلمان حق دارد در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی حضور داشته باشد. در سیره پیامبر(ص) و ائمه(ع) زنان در امور اجتماعی همچون امداد در جنگ‌ها، تدریس علوم دینی و کمک‌های خیریه مشارکت می‌کردند. حضور زنان انصاری در ساخت مسجدالنبی و نیز فعالیت‌های آموزشی بانوانی مانند حضرت زینب(س) نمونه‌هایی روشن از این مشارکت است (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص. ۲۷۶).

#### ۴\_۵. نقش زن در پیشرفت جامعه اسلامی

زن با ایفای نقش فعال در عرصه‌های اجتماعی، علمی و فرهنگی، سهم بزرگی در پیشرفت جامعه اسلامی دارد. زنانی چون حضرت زینب(س) و فاطمه زهرا(س) نه تنها در خانواده، بلکه در جامعه نقش تمدن‌ساز ایفا کردند. اسلام، زن را تنها در چارچوب خانه محدود نمی‌کند، بلکه او را موجودی پویا و اثرگذار در همه عرصه‌ها معرفی می‌نماید. شهید مطهری بیان می‌کند: "زن در اسلام موجودی اجتماعی است که می‌تواند هم در خانواده و هم در اجتماع نقش‌آفرین باشد" (مطهری، ۱۳۷۸، ص. ۱۸۹).  
نتیجه‌گیری

بررسی حقوق زن از منظر اسلام نشان می‌دهد که دین اسلام، برخلاف بسیاری از جوامع باستانی و حتی مکاتب مدرن، جایگاه زن را به‌عنوان موجودی مستقل، دارای کرامت انسانی و برخوردار از حقوق متنوع سیاسی، خانوادگی، قضایی، کیفری و اجتماعی به رسمیت شناخته است.

در حقوق سیاسی، زن مسلمان همانند مرد حق مشارکت در تعیین سرنوشت جامعه، امر به معروف و نهی از منکر و حتی مشورت در امور سیاسی را دارد. این حضور، هرچند در چارچوب ارزش‌های اسلامی و



با رعایت عفاف تعریف می‌شود، اما به معنای محدودسازی نقش اجتماعی زن نیست، بلکه زمینه‌ساز مشارکت سازنده و اثرگذار اوست.

در حقوق خانوادگی، اسلام تعادل و توازن میان وظایف زن و مرد را به رسمیت می‌شناسد. زن حق مهریه، نفقه و حسن معاشرت دارد و در عین حال وظایفی همچون تربیت فرزند و حمایت عاطفی از خانواده را بر عهده می‌گیرد. این تقسیم کار، به معنای برتری یکی بر دیگری نیست، بلکه نوعی تقسیم وظایف متناسب با ساختار وجودی زن و مرد است.

در حقوق قضایی و کیفری، اسلام زن را همانند مرد در برابر قانون مسئول می‌داند و برای او حقوق دفاعی و قضایی قائل است. هرچند در برخی احکام تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود، اما این تفاوت‌ها ناشی از نگاه تبعیض‌آمیز نیست، بلکه ریشه در تفاوت‌های طبیعی و نقش‌های اجتماعی زن و مرد دارد که در راستای عدالت حقیقی تبیین می‌شوند.

در حقوق اجتماعی، زن مسلمان حق آموزش، اشتغال و حضور فرهنگی و اجتماعی را داراست. اسلام نه تنها مانع از فعالیت اجتماعی زنان نمی‌شود، بلکه با رعایت اصول اخلاقی و حجاب، زمینه‌ساز شکوفایی توانایی‌های آنان در جامعه است. نمونه‌های تاریخی همچون فعالیت اقتصادی حضرت خدیجه (س) و نقش فرهنگی - سیاسی حضرت زینب (س) نشان‌دهنده جایگاه محوری زن در اجتماع اسلامی است.

در مجموع، اسلام با نگرشی جامع به حقوق زن، او را موجودی فعال، مستقل و اثرگذار معرفی می‌کند. برخلاف جریان‌های غربی که یا زن را به حاشیه رانده‌اند یا او را ابزاری برای لذت‌جویی مادی ساخته‌اند، اسلام با نگاهی انسانی و الهی، زن را ستون جامعه می‌داند. بنابراین، تحقق کامل حقوق زن در اسلام، نه تنها به ارتقای جایگاه زن منجر می‌شود، بلکه موجب استحکام خانواده، سلامت اجتماعی و شکوفایی تمدن اسلامی خواهد بود.

فهرست منابع

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶). ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش.

۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱). زن در آیینه جمال و جلال. قم: مرکز نشر اسراء.

۳. صفایی، سید حسین و امامی، اسدالله (۱۳۹۰). حقوق خانواده. تهران: نشر میزان.

۴. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام. قم: مؤسسه نشر اسلامی.

۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). نظام حقوق زن در اسلام. تهران: صدرا.

۶. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). مجموعه آثار، ج ۱۹. تهران: صدرا.

۷. حسینی، سید محمد (۱۳۹۲). حقوق خانواده در اسلام. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ماع نقش‌آفرین باشد" (مطهری، ۱۳۷۸، ص. ۱۸۹).